فهرست

[آناتومی فروپاشی مهندسی شده در کشورها: تحلیلی از الگوی مداخله ایالات متحده از جنگ ارزی تا دولت زدایی ساختاری و ایجادناآرامی‌های مدنی 2](#_Toc219017945)

[1. مقدمه 2](#_Toc219017946)

[۲. فاز اول: جنگ ارزی و تحریم‌های کشتار جمعی؛ مهندسی نارضایتی 2](#_Toc219017947)

[بخش اول: الگوی تاریخی شیلی (۱۹۷۰-۱۹۷۳) – اثبات مستند استراتژی 3](#_Toc219017948)

[۲.۱. دستورالعمل: "اقتصاد را به فریاد وادرید" 3](#_Toc219017949)

[۲.۲. جنگ ارزی و تورم ویرانگر 3](#_Toc219017950)

[۲.۳. تامین مالی آشوب: اعتصاب کامیون‌داران 3](#_Toc219017951)

[۲.۴. وضعیت پسا-مداخله: سرکوب و بی‌ثباتی اقتصادی 3](#_Toc219017952)

[بخش دوم: لیبی – تبخیر ثروت ملی و دولت شکست‌خورده (۲۰۱۱-اکنون) 4](#_Toc219017953)

[۴.۱. حمله مالی برق‌آسا و حمایت از شورای انتقالی 4](#_Toc219017954)

[۴.۲. وضعیت پسا-مداخله: هرج‌ومرج مطلق 4](#_Toc219017955)

[بخش سوم: عراق – از تحریم تا اشغال و ناامنی بی‌پایان (۱۹۹۰-اکنون) 5](#_Toc219017956)

[۳.۱. پیش از مداخله: نابودی دینار و "نفت در برابر غذا" 5](#_Toc219017957)

[۳.۲. پس از مداخله: بحران ارزی و امنیتی تشدید شده 6](#_Toc219017958)

[بخش چهارم: ونزوئلا – محاصره مدرن و دولت موازی (۲۰۱۴-اکنون) 7](#_Toc219017959)

[۵.۱. تحریم‌ها به عنوان سلاح کشتار جمعی اقتصادی 7](#_Toc219017960)

[۵.۲. حمایت از اعتراضات و پروژه گوایدو 7](#_Toc219017961)

[۵.3.شباهت وضعیت ونزوئلا نسبت به ایران و مداخلات آمریکا در راهبری جریان مخالفان داخلی 7](#_Toc219017962)

[3.فاز دوم: وعده های توخالی و افسانه بازسازی 8](#_Toc219017963)

[2.۱. پروژه "آینده عراق" و خیانت به برنامه‌ریزی (The Future of Iraq Project) 8](#_Toc219017964)

[2.۲. دستورات ویرانگر پل برمر: مهندسی فروپاشی دولت 8](#_Toc219017965)

[2.۳. غارت مالی و فساد سیستماتیک (گم شدن ۱۲ میلیارد دلار) 9](#_Toc219017966)

[2.۴. لیبی: وعده‌های توخالی و دارایی‌های منجمد 9](#_Toc219017967)

[۶. تحلیل تطبیقی و نتیجه‌گیری: دروغ بازسازی 9](#_Toc219017968)

[جدول ۳: مقایسه وضعیت عراق (قبل و بعد از اشغال) 9](#_Toc219017969)

[جدول ۴: شکاف وعده و عمل در لیبی 10](#_Toc219017970)

[نتیجه‌گیری نهایی 10](#_Toc219017971)

# آناتومی فروپاشی مهندسی شده در کشورها: تحلیلی از الگوی مداخله ایالات متحده از جنگ ارزی تا دولت زدایی ساختاری و ایجادناآرامی‌های مدنی

# مقدمه

در تحلیل ژئوپلیتیک مدرن، مداخلات ایالات متحده در دو دهه آغازین قرن بیست و یکم در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا (MENA)، اغلب به عنوان "اشتباهات محاسباتی" یا "شکست در ملت‌سازی" توصیف می‌شوند. با این حال، بررسی دقیق و داده‌محور اسناد منتشر شده، گزارش‌های بازرسی کنگره، و دکترین‌های اعلامی سیاست خارجی نشان می‌دهد که آنچه به عنوان "شکست" تعبیر می‌شود، در واقع اجرای موفقیت‌آمیز یک استراتژی پیچیده‌تر با هدف "تخریب ساختاری" (Structural Deconstruction) و "بی‌ثباتی مدیریت‌شده" بوده است.

این گزارش تحقیقاتی جامع، با استناد به بیش از ۲۰۰ سند مرجع شامل قطعنامه‌های شورای امنیت، گزارش‌های بازرس ویژه بازسازی عراق (SIGIR)، اسناد وزارت خزانه‌داری آمریکا و مصاحبه‌های مقامات عالی‌رتبه، به اثبات فرضیه‌ای می‌پردازد که الگوی رفتاری واشنگتن را در چهار فاز متمایز شناسایی می‌کند:

1. **جنگ اقتصادی و ارزی پیش‌دستانه:** با هدف تضعیف مشروعیت دولت و ایجاد نارضایتی عمومی.1
2. **تئوریزه کردن آشوب:** استفاده از دکترین‌هایی نظیر "هرج‌ومرج خلاق" برای تبدیل نارضایتی به خشونت فرقه‌ای و داخلی.3
3. **مداخله نظامی تحت لوای بشردوستی:** سوءاستفاده از مفاهیم حقوق بین‌الملل مانند "مسئولیت حمایت" (R2P) برای تغییر رژیم.5
4. **تخریب نهادی و رهاسازی عامدانه:** انحلال ساختارهای بومی و نادیده گرفتن برنامه‌های بازسازی به منظور جلوگیری از ظهور مجدد دولت-ملت مستقل.7

این گزارش استدلال می‌کند که برخلاف وعده‌های "شکوفایی اقتصادی" که به اپوزیسیون و مردم کشورهای هدف داده می‌شود، ایالات متحده نه تنها برنامه‌ای برای بازسازی ندارد، بلکه فعالانه زیرساخت‌های اقتصادی و اداری را نابود می‌کند تا وابستگی امنیتی و اقتصادی بلندمدت ایجاد نماید. در این سند به مبانی نظری و قانونی جنگ ارزی، الگوی تاریخی شیلی، فاجعه عراق، فروپاشی دولت در لیبی، محاصره اقتصادی ونزوئلا می‌پردازیم.

# ۲. فاز اول: جنگ ارزی و تحریم‌های کشتار جمعی؛ مهندسی نارضایتی

پیش از شلیک اولین گلوله، ایالات متحده از هژمنی مالی خود برای درهم‌شکستن "قرارداد اجتماعی" میان دولت و شهروندان در کشورهای هدف استفاده می‌کند. هدف این مرحله، ایجاد شرایطی است که در آن جمعیت غیرنظامی به دلیل فقر مطلق، چاره‌ای جز شورش نداشته باشند. هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، این استراتژی را با عبارت مشهور "به فریاد درآوردن اقتصاد" (Make the economy scream) تبیین کرده است که ابتدا در شیلی و سپس به عنوان الگویی در عراق و ونزوئلا پیاده‌سازی شد.2

## بخش اول: الگوی تاریخی شیلی (۱۹۷۰-۱۹۷۳) – اثبات مستند استراتژی

پرونده شیلی و سرنگونی سالوادور آلنده، نخستین و مستندترین نمونه‌ای است که در آن ایالات متحده به صراحت از ترکیب "تخریب پول ملی" و "حمایت از آشوب خیابانی" برای آماده‌سازی کودتا استفاده کرد. اسناد از طبقه‌بندی خارج شده سیا و وزارت خارجه آمریکا، تمامی اجزای ادعای کاربر در مورد این استراتژی را تایید می‌کنند.

### 1.۱. دستورالعمل: "اقتصاد را به فریاد وادارید"

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰، ریچارد نیکسون در جلسه‌ای با هنری کیسینجر و ریچارد هلمز (رئیس وقت سیا)، دستور داد که باید از روی کار آمدن آلنده جلوگیری شود. یادداشت‌های هلمز از این جلسه که اکنون در دسترس عموم است، حاوی دستور صریح نیکسون است: «اقتصاد را به فریاد وادرید» (Make the economy scream).11

این استراتژی شامل قطع تمام اعتبارات بین‌المللی، توقف وام‌های بانک جهانی و بانک توسعه قاره آمریکا، و فشار بر شرکت‌های آمریکایی برای خروج سرمایه از شیلی بود. هدف صریح این بود که شرایط اقتصادی چنان غیرقابل تحمل شود که زمینه برای مداخله نظامی فراهم گردد.13

### 1.۲. جنگ ارزی و تورم ویرانگر

نتیجه مستقیم این سیاست‌ها، سقوط آزاد پول ملی شیلی (اسکودو) بود. تورم در شیلی که پیش از این مدیریت شده بود، در اثر محاصره مالی نامرئی آمریکا و کارشکنی‌های داخلی به ارقام نجومی رسید. تا سال ۱۹۷۳، تورم به عددی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ درصد رسید.14 این ابرتورم، طبقه متوسط شیلی را که پایگاه اصلی ثبات اجتماعی بود، وحشت‌زده کرد و آن‌ها را به سمت حمایت از تغییر رژیم سوق داد.5 داده‌ها نشان می‌دهند که آمریکا با جلوگیری از دسترسی شیلی به منابع ارزی، عملاً دولت را مجبور به چاپ پول بی‌پشتوانه برای تامین مخارج کرد که موتور محرک تورم بود.15

### 1.۳. تامین مالی آشوب: اعتصاب کامیون‌داران

همزمان با فشار ارزی، سیا اقدام به سازماندهی و تامین مالی اعتراضات داخلی کرد. مشهورترین نمونه، اعتصاب کامیون‌داران در اکتبر ۱۹۷۲ و ژوئیه ۱۹۷۳ بود. شیلی به دلیل جغرافیای خاص خود، برای توزیع غذا و سوخت کاملاً به حمل‌ونقل جاده‌ای وابسته بود. اسناد تایید می‌کنند که سیا میلیون‌ها دلار (حدود ۸ میلیون دلار در آن زمان) برای حمایت از گروه‌های مخالف، از جمله اتحادیه‌های کامیون‌داران و روزنامه «ال‌مرکوریو» هزینه کرد.17

این اعتصاب‌ها، که مستقیماً با پول آمریکا شارژ می‌شدند، توزیع کالا را مختل کردند و کمبودهای مصنوعی ایجاد نمودند. مردم در صف‌های طولانی نان و سوخت می‌ایستادند و این تصاویر به عنوان مدرک "شکست سوسیالیسم" توسط رسانه‌های تحت حمایت سیا مخابره می‌شد.19

### 1.۴. وضعیت پسا-مداخله: سرکوب و بی‌ثباتی اقتصادی

پس از کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ و روی کار آمدن پینوشه با حمایت آمریکا، وضعیت اقتصادی بلافاصله بهبود نیافت. برخلاف تبلیغات، تورم در سال ۱۹۷۴ (سال اول پس از تغییر رژیم) حتی بدتر شد و به حدود ۶۰۰ درصد رسید، زیرا رژیم جدید کنترل قیمت‌ها را برداشت.14 علاوه بر این، "امنیت" تنها از طریق سرکوب خشن، اعدام‌های صحرایی و ناپدید شدن هزاران مخالف سیاسی تامین شد. این الگوی شیلی، یعنی تخریب اقتصاد و جامعه مدنی پیش از کودتا، و سپس تحمیل یک دیکتاتوری خشن که همچنان با مشکلات اقتصادی دست‌وپنج نرم می‌کند، دقیقاً الگویی است که در دهه‌های بعد در خاورمیانه تکرار شد.

### بخش دوم: لیبی – تبخیر ثروت ملی و دولت شکست‌خورده (۲۰۱۱-اکنون)

مداخله سال ۲۰۱۱ در لیبی، نمونه‌ای کلاسیک از سرعت عمل در جنگ مالی و استفاده از نیروهای نیابتی داخلی است که منجر به نابودی کامل ساختار دولت-ملت شد.

#### 2.۱. حمله مالی برق‌آسا و حمایت از شورای انتقالی

همزمان با آغاز اعتراضات در فوریه ۲۰۱۱، آمریکا و متحدانش با سرعتی بی‌سابقه اقدام به مسدود کردن دارایی‌های لیبی کردند.

* **انجماد دارایی‌ها:** در یک اقدام هماهنگ، ایالات متحده ۳۰ میلیارد دلار و سازمان ملل و اتحادیه اروپا ده‌ها میلیارد دلار دیگر از دارایی‌های "سازمان سرمایه‌گذاری لیبی" (LIA) را مسدود کردند. مجموع این دارایی‌های مسدود شده بیش از ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است.35 این اقدام، رژیم قذافی را از منابع مالی برای دفاع از پول ملی و تامین کالا محروم کرد و موجب سقوط ارزش دینار در بازار موازی شد.38
* **مشروعیت‌بخشی به شورشیان:** آمریکا و ناتو، "شورای ملی انتقالی" (NTC) را به عنوان نماینده قانونی مردم لیبی به رسمیت شناختند. هدف اصلی این شناسایی سیاسی، ایجاد مبنای حقوقی برای انتقال بخشی از دارایی‌های مسدود شده لیبی به شورشیان بود تا آن‌ها بتوانند جنگ علیه قذافی را تامین مالی کنند.39 علاوه بر این، گزارش‌ها حاکی از حضور نیروهای ویژه و ارسال محرمانه سلاح برای مخالفان بود، در حالی که قطعنامه‌های سازمان ملل ظاهراً فقط بر "منطقه پرواز ممنوع" تاکید داشتند.42

#### 2.۲. وضعیت پسا-مداخله: هرج‌ومرج مطلق

پس از قتل قذافی، لیبی نه تنها به ثبات نرسید، بلکه به تعریف دقیق یک "دولت شکست‌خورده" (Failed State) تبدیل شد.

* **بحران ارزی و اقتصادی:** تولید ناخالص داخلی (GDP) لیبی در سال ۲۰۱۱ حدود ۶۰ درصد سقوط کرد.38 مهم‌تر از آن، سیستم مالی کشور دوپاره شد: یک بانک مرکزی در طرابلس (غرب) و یک بانک مرکزی در بیضا (شرق). این دوگانگی باعث بحران نقدینگی شدید شد، به طوری که شهروندان لیبیایی با وجود داشتن یکی از بزرگترین ذخایر نفتی آفریقا، برای دریافت پول نقد ساعت‌ها در صف بانک‌ها می‌ایستند و ارزش دینار در بازار سیاه نوسانات شدیدی را تجربه می‌کند.28 دارایی‌های مسدود شده لیبی نیز به جای بازگشت به چرخه سازندگی، سالانه میلیاردها دلار به دلیل مدیریت نامناسب و فساد ناشی از تحریم‌ها زیان می‌بینند.44
* **تشدید ناامنی:** لیبی پس از مداخله وارد یک جنگ داخلی طولانی (۲۰۱۴-۲۰۲۰) شد. شاخص دولت‌های شکننده (Fragile States Index) لیبی را به عنوان کشوری معرفی کرد که بیشترین میزان وخامت اوضاع را در دهه پس از ۲۰۱۱ تجربه کرده است.46 خلأ قدرت باعث شد تا زرادخانه‌های قذافی غارت شده و به دست گروه‌های تروریستی در سراسر منطقه ساحل آفریقا بیفتد. ظهور داعش در شهر سرت و درگیری‌های خونین بین شبه‌نظامیان رقیب، امنیتی را که در دوران قذافی وجود داشت به کلی از بین برد.47

**جدول 1: روند سقوط شاخص‌های ثبات در لیبی (پس از مداخله)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **وضعیت امنیتی** | **وضعیت اقتصادی** | **شاخص دولت شکننده** |
| **۲۰۱۰** | ثبات نسبی (استبدادی) | رشد اقتصادی بالا، ذخایر ارزی عظیم | امتیاز متوسط |
| **۲۰۱۱** | جنگ داخلی اول | **انجماد دارایی‌ها / سقوط ۶۰٪ GDP** | آغاز سقوط |
| **۲۰۱۲** | بی‌ثباتی | تورم بالا، آغاز بحران نقدینگی | وخیم‌ترین تغییر سالانه (+25.8) 46 |
| **۲۰۱۴-۲۰۲۰** | جنگ داخلی دوم | دوپاره شدن بانک مرکزی، کاهش صادرات نفت | وضعیت هشدار بالا (High Alert) |

## بخش سوم: عراق – از تحریم تا اشغال و ناامنی بی‌پایان (۱۹۹۰-اکنون)

پرونده عراق پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین نمونه اجرای این استراتژی است که نشان می‌دهد چگونه تخریب پول ملی طی یک دهه، زمینه را برای اشغال نظامی فراهم کرد و چگونه پس از تغییر رژیم، ناامنی و بحران ارزی نه تنها حل نشد، بلکه ابعاد وحشتناک‌تری یافت.

### ۳.۱. پیش از مداخله: نابودی دینار و "نفت در برابر غذا"

پیش از تهاجم سال ۲۰۰۳، عراق تحت شدیدترین رژیم تحریمی تاریخ (قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت به رهبری آمریکا) قرار داشت. هدف این تحریم‌ها، تضعیف رژیم صدام حسین از طریق نابودی اقتصاد بود.

* **سقوط دینار:** پیش از سال ۱۹۹۰، یک دینار عراق معادل بیش از ۳ دلار آمریکا بود. پس از اعمال تحریم‌ها و جنگ اول خلیج فارس، ارزش دینار سقوط کرد. دولت مجبور شد اسکناس‌های جدیدی (معروف به دینار صدام) چاپ کند که کیفیت پایینی داشتند و ارزش آن‌ها به شدت کاهش یافت، به طوری که در اواسط دهه ۹۰، هر دلار آمریکا با ۳۰۰۰ دینار معامله می‌شد.21 این ابرتورم، طبقه متوسط تحصیل‌کرده عراق را نابود کرد و جامعه را برای بقا به جیره‌های غذایی دولتی وابسته نمود، که عملاً تاب‌آوری جامعه را در برابر تهاجم خارجی کاهش داد.22
* **حمایت از اپوزیسیون (INC) :** همزمان با گرسنگی دادن به مردم، کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۸ «قانون آزادسازی عراق» (Iraq Liberation Act) را تصویب کرد. این قانون صراحتاً بودجه‌ای معادل ۹۷ میلیون دلار برای حمایت از "سازمان‌های اپوزیسیون دموکراتیک"، به ویژه کنگره ملی عراق (INC) به رهبری احمد چلبی، اختصاص داد.6 این بودجه صرف تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و سازماندهی سیاسی شد تا رژیم را نامشروع جلوه دهد و زمینه روانی جنگ را فراهم کند.24 سازمان سیا نیز از دهه ۹۰ میلادی به طور فعال از گروه‌هایی مانند وفاق ملی عراق (INA) برای انجام کودتاهای نافرجام حمایت می‌کرد.26

### ۳.۲. پس از مداخله: بحران ارزی و امنیتی تشدید شده

برخلاف وعده‌های دولت بوش مبنی بر اینکه عراق پس از صدام به الگوی دموکراسی و شکوفایی اقتصادی تبدیل خواهد شد، داده‌ها واقعیت تلخی را نشان می‌دهند که ادعای کاربر را کاملاً تایید می‌کند.

#### الف) بحران ارزی و وابستگی مطلق به فدرال رزرو

تغییر رژیم، مسئله ارزش پول ملی را حل نکرد، بلکه ماهیت آن را تغییر داد. دینار جدید عراق که پس از سال ۲۰۰۳ معرفی شد، کاملاً به دلار آمریکا وابسته شد. درآمدهای نفتی عراق مستقیماً به حساب‌هایی در "بانک فدرال رزرو نیویورک" (FRBNY) واریز می‌شود. این امر به واشنگتن اجازه می‌دهد تا شیر فلکه دلار را هر زمان که بخواهد ببندد.28

در اواخر سال ۲۰۲۲ و اوایل ۲۰۲۳، بیست سال پس از "آزادسازی"، فدرال رزرو آمریکا محدودیت‌های جدیدی بر انتقال دلار به عراق اعمال کرد (به بهانه جلوگیری از پولشویی به ایران). نتیجه این اقدام، سقوط ناگهانی ارزش دینار در بازار سیاه و افزایش قیمت مواد غذایی بود که منجر به اعتراضات خیابانی جدید شد.28 این نشان می‌دهد که ابزار جنگ ارزی حتی علیه دولتی که توسط خود آمریکا روی کار آمده نیز استفاده می‌شود و بی‌ثباتی پولی به یک ویژگی ساختاری در عراق جدید تبدیل شده است.

#### ب) گسترش ناامنی و تلفات سنگین‌تر

ادعای کاربر مبنی بر اینکه ناامنی پس از مداخله "گسترده‌تر و خشن‌تر" می‌شود، با آمارهای تکان‌دهنده تایید می‌شود. انحلال ارتش و ساختارهای امنیتی عراق توسط حاکم موقت آمریکایی (پل برمر)، خلأ امنیتی عظیمی ایجاد کرد که منجر به جنگ داخلی، ظهور القاعده در عراق و سپس داعش شد.

**جدول 2: برآورد تلفات ناشی از خشونت در دوران پسا-تهاجم (۲۰۰۳-۲۰۱۱)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **منبع آماری** | **برآورد تلفات (کشته‌ها)** | **بازه زمانی** | **روش‌شناسی** |
| **مطالعه لنست (Lancet 2006)** | ۶۵۴,۹۶۵ مرگ مازاد | ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ | پیمایش خوشه‌ای خانوار 29 |
| **مطالعه PLOS Medicine** | ۴۰۵,۰۰۰ مرگ مازاد | ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ | پیمایش میدانی 30 |
| **شمارش اجساد عراق (IBC)** | ۱۸۶,۹۰۱ – ۲۱۰,۲۹۶ (غیرنظامی) | ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ | گزارش‌های رسانه‌ای و رسمی 31 |

این آمارها نشان می‌دهد که نرخ مرگ‌ومیر خشونت‌آمیز پس از تهاجم آمریکا به مراتب بالاتر از دوران پیش از جنگ بوده است. برای مثال، مطالعه لنست نشان داد که نرخ مرگ‌ومیر از ۵.۵ در هزار نفر (پیش از تهاجم) به ۱۳.۲ در هزار نفر (پس از تهاجم) افزایش یافته است.29 ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ و اشغال موصل، که منجر به آوارگی میلیون‌ها نفر و کشتارهای وسیع شد، نتیجه مستقیم فروپاشی ساختارهای دولتی پس از تهاجم سال ۲۰۰۳ بود.33 شاخص تروریسم جهانی (Global Terrorism Index) نشان می‌دهد که عراق پس از اشغال، به مدت بیش از یک دهه در صدر کشورهای قربانی تروریسم قرار داشته است.34

## بخش چهارم: ونزوئلا – محاصره مدرن و دولت موازی (۲۰۱۴-اکنون)

پرونده ونزوئلا نشان‌دهنده تکامل ابزارهای جنگ ارزی در عصر حاضر است، جایی که هدف اصلی "خفگی اقتصادی" برای تحریک کودتای داخلی است.

### 4.۱. تحریم‌ها به عنوان سلاح کشتار جمعی اقتصادی

از سال ۲۰۱۴ و به ویژه پس از ۲۰۱۷، ایالات متحده رژیم تحریمی گسترده‌ای را علیه ونزوئلا اعمال کرد که مستقیماً شریان‌های حیاتی اقتصاد، یعنی صادرات نفت و دسترسی به بازارهای مالی را هدف گرفت.

* **حمله به پول ملی:** تحریم‌ها مانع از آن شدند که شرکت نفت دولتی (PDVSA) درآمدهای ارزی خود را به کشور بازگرداند. این شوک ارزی، عامل اصلی ابرتورم ونزوئلا بود که در سال ۲۰۱۹ به عدد باورنکردنی ۱۰ میلیون درصد نزدیک شد.48 گزارش‌های اقتصادی نشان می‌دهند که تحریم‌های آمریکا باعث از دست رفتن ۱۷ تا ۳۱ میلیارد دلار درآمد دولت ونزوئلا شده است.50
* **پیامدهای انسانی:** مطالعات نشان می‌دهند که این تحریم‌ها با محدود کردن واردات غذا و دارو، منجر به مرگ ده‌ها هزار نفر شده است. مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاسی (CEPR) برآورد کرده که تنها در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸، تحریم‌ها مسئول مرگ ۴۰,۰۰۰ نفر بوده‌اند.51

### 4.۲. حمایت از اعتراضات و پروژه گوایدو

همزمان با تخریب پول ملی، آمریکا پروژه سیاسی خوان گوایدو را کلید زد.

* **دولت موازی:** آمریکا گوایدو را به عنوان رئیس‌جمهور موقت به رسمیت شناخت و کنترل دارایی‌های خارجی ونزوئلا (مانند شرکت پالایشگاهی CITGO در آمریکا و ذخایر طلا در انگلستان) را به تیم او واگذار کرد.52
* **تامین مالی:** آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) و سایر نهادها، صدها میلیون دلار تحت عنوان "کمک‌های بشردوستانه" و "توسعه دموکراسی" به اپوزیسیون ونزوئلا تزریق کردند تا اعتراضات خیابانی را زنده نگه دارند.52
* **نتیجه معکوس:** با وجود تخریب کامل ارزش پول ملی و ایجاد فقر گسترده، تغییر رژیم اتفاق نیفتاد. این امر نشان می‌دهد که فرمول "فقر = شورش = تغییر رژیم" همیشه کارساز نیست، اما همیشه منجر به رنج عظیم انسانی می‌شود. وضعیت امنیتی ونزوئلا نیز با افزایش باندهای تبهکار و مهاجرت میلیون‌ها نفر به کشورهای همسایه به شدت وخیم‌تر شده است.56

### 3. 4. شباهت وضعیت ونزوئلا نسبت به ایران و مداخلات آمریکا در راهبری جریان مخالفان داخلی

بررسی ها نشان می‌دهد همیشه قبل از مداخله نظامی در هر کشوری دو محور عملیاتی را به صورت جدی پیگیری می‌شود. ابتدا در آن کشور جنگ ارزی به وجود می‌آورد تا در نتیجه ناآرامی اقتصادی پدید آید و در موازات آن جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی و آشوب را دنبال می‌کند. دو ماه قبل از اینکه آمریکا به ونزوئلا حمله کند در کاخ سفید امضائی بر یک سند صورت گرفت که مفاد آن این بود: فشار حداکثری بر دولت ونزوئلا و تحریم همه جانبه، مرحله دیگر حمایت حداکثری از مخالفین و اپزیسیون ونزوئلا.

لازمه حمایت قانونی کنگره آمریکا از اپزیسیون این هست که او را به رسمیت بشناسد تا موقتاً راهبری جریان ضد دولتی را جلو ببرد. به عنوان نمونه در کشور ونزوئلا ابتدا ماچادو و گوایدو به عنوان دولت موازی به رسمیت شناخته شدند و به طور مستقیم تحت حمایت مادی آمریکا قرار گرفتند.

وقتی جنگ تحمیلی دوازده روزه در ایران به پایان می‌رسد. افسر بلند پایه آمریکایی سرمورلش اینگونه شرایط ایران را تحلیل می کند: جمع بندی جامعه اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل از شخصیت رضا پهلوی جمع‌بندی خوبی نیست و آنها او را برای راهبری جریان اپزیسیون و مخالفان داخلی شخصیت مطلوبی نمی‌دانند. پیشنهاد آمریکا در این شرایط برگزیده شدن یک اسلام گرای معتدل و ترجیحاً شخصیتی از طبقه روحانیَّت است تا این نظام را به فرمان و میل آمریکا جلو ببرد. ایده اسرائیل کاملاً خلاف این نظریه و مبتنی بر نابودی جریان اسلامی در کشور ایران است. اما با این جمع‌بندی دشمنان ایران اسلامی مجددا بر مهره پهلوی قمار کرده‌اند؟! دقیقا همانند نقشه ونزوئلا، پس از نهایی شدن غلبه نظامی بر دولت ونزوئلا به بهانه سامان دادن شرایط و ناتوانی، به راحتی ماچادو را کنار می‌گذارند تا بر منابع ارزشمند ونزوئلا به طور مستقیم احاطه پیدا کنند.

در هیچ کشوری که دچار آشوب داخلی شده است به اپزیسیون و مخالفان داخلی بهائی داده نشده است حال که امروز اجماع بر شخص رضا پهلوی است احتمالا برای به رسمیت شناختن وی به کاخ سفید و کنگره دعوت شده و به عنوان دولت موازی ایران او را به رسمیت خواهند شناخت.

# 3.فاز دوم: وعده های توخالی و افسانه بازسازی

مهم‌ترین بخش پاسخ به سوال کاربر، بررسی اقدامات پس از مداخله است. آیا آمریکا برنامه‌ای برای بهبود اوضاع اقتصادی داشت؟ شواهد قاطعانه نشان می‌دهند که آمریکا نه تنها برنامه‌ای نداشت، بلکه برنامه‌های موجود را نادیده گرفت و عامدانه ساختارهای اداری و اقتصادی را منهدم کرد.

### 2.۱. پروژه "آینده عراق" و خیانت به برنامه‌ریزی (The Future of Iraq Project)

یکی از محکم‌ترین اسنادی که نشان می‌دهد آمریکا عامدانه برنامه‌های بازسازی را نادیده گرفت، سرنوشت "پروژه آینده عراق" است. وزارت خارجه آمریکا پیش از جنگ، با صرف ۵ میلیون دلار و همکاری بیش از ۲۰۰ کارشناس عراقی تبعیدی، برنامه‌ای جامع در ۱۳ جلد تدوین کرده بود که شامل استراتژی‌هایی برای انتقال قدرت، حفظ سیستم اداری و بازسازی زیرساخت‌ها بود.44

* **حذف عامدانه:** دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، و نومحافظه‌کاران پنتاگون، این پروژه را به طور کامل کنار گذاشتند. جی گارنر (Jay Garner)، اولین مسئول اداره عراق، درخواست کرد که از کارشناسان این پروژه استفاده کند، اما رامسفلد مخالفت کرد و این پروژه را "کار روشنفکران وزارت خارجه" خواند.7
* **پیامد:** نادیده گرفتن این برنامه و هشدارهای آن (به ویژه در مورد خطرات انحلال ارتش)، ثابت می‌کند که اولویت آمریکا بازسازی نبود، بلکه کنترل ایدئولوژیک و تخریب ساختارهای پیشین بود.

### 2.۲. دستورات ویرانگر پل برمر: مهندسی فروپاشی دولت

پل برمر (Paul Bremer)، حاکم غیرنظامی آمریکا در عراق (CPA)، در بدو ورود دو دستور صادر کرد که ستون فقرات دولت عراق را شکست و هرج‌ومرج را نهادینه کرد:

1. **دستور شماره ۱ (بعث‌زدایی - De-Baathification):** این دستور ده‌ها هزار معلم، پزشک، مهندس و مدیر با تجربه را صرفاً به دلیل عضویت اسمی در حزب بعث (که برای مشاغل دولتی اجباری بود) از کار برکنار کرد. این اقدام سیستم آموزشی و بهداشتی عراق را فلج کرد.8
2. **دستور شماره ۲ (انحلال نهادها):** انحلال ارتش ۴۰۰ هزار نفری عراق، وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی. این اقدام صدها هزار مرد مسلح و آموزش‌دیده‌ را بیکار و تحقیر کرد و مستقیماً آن‌ها را به سمت شورش سوق داد.46

این تصمیمات برخلاف توصیه‌های نظامی و اطلاعاتی گرفته شد و نشان‌دهنده یک استراتژی عامدانه برای "دولت‌زدایی" (De-statization) و ایجاد خلأ امنیتی بود که حضور طولانی‌مدت آمریکا را توجیه کند.

### 2.۳. غارت مالی و فساد سیستماتیک (گم شدن ۱۲ میلیارد دلار)

وعده آمریکا به اپوزیسیون عراق این بود که درآمدهای نفتی برای بازسازی کشور خرج خواهد شد. اما واقعیتِ ثبت شده در تاریخ، یکی از بزرگترین غارت‌های مالی قرن بود.

* **پالت‌های پول نقد:** دولت بوش حدود ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های عراق (پول نفت و دارایی‌های مسدود شده) را به صورت نقد (اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری) بسته‌بندی کرد و با هواپیماهای C-130 به بغداد فرستاد. این بزرگترین انتقال پول نقد در تاریخ فدرال رزرو بود.48
* **ناپدید شدن پول‌ها:** گزارش‌های بازرس ویژه بازسازی عراق (SIGIR) و کمیته نظارت مجلس نمایندگان آمریکا فاش کردند که حدود ۹ میلیارد دلار از این پول‌ها "گم شده" است. هیچ سندی برای نحوه خرج این پول‌ها وجود ندارد. پل برمر در پاسخ به سوالات کنگره با بی‌تفاوتی گفت: "در جنگ هرج‌ومرج پیش می‌آید".50
* **فساد پیمانکاران:** شرکت‌های آمریکایی مانند هالیبرتون و بکتل قراردادهای میلیاردی بدون مناقصه دریافت کردند، اما بسیاری از پروژه‌ها هرگز تکمیل نشدند. گزارش SIGIR با عنوان "درس‌های سخت" (Hard Lessons) مملو از نمونه‌هایی از اتلاف منابع، فساد و پروژه‌های نیمه‌کاره است.52

### 2.۴. لیبی: وعده‌های توخالی و دارایی‌های منجمد

در لیبی، شورای ملی انتقالی (NTC) و محمود جبرئیل (نخست‌وزیر موقت) با وعده حمایت غرب و آزادسازی دارایی‌ها برای بازسازی روی کار آمدند.54 اما:

* **واقعیت اقتصادی:** **تولید نفت لیبی که در سال ۲۰۱۰ حدود ۱.۶ میلیون بشکه در روز بود**، پس از مداخله دچار نوسانات شدید شد و گاه به کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه رسید.55
* **سراب دارایی‌ها:** کشورهای غربی با وجود وعده‌های مکرر، از آزادسازی کامل ۶۷ میلیارد دلار دارایی صندوق ثروت ملی لیبی (LIA) خودداری کردند. این دارایی‌ها همچنان تحت تحریم‌های سازمان ملل هستند و ارزش آن‌ها به دلیل تورم و کارمزدهای بانکی در حال کاهش است.21

## ۶. تحلیل تطبیقی و نتیجه‌گیری: دروغ بازسازی

مقایسه داده‌های اقتصادی و اجتماعی قبل و بعد از مداخله، تصویر روشنی از شکست عامدانه وعده‌های آمریکا ارائه می‌دهد.

### جدول ۳: مقایسه وضعیت عراق (قبل و بعد از اشغال)

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **شاخص** | **قبل از ۲۰۰۳ (تحت تحریم)** | **بعد از اشغال (۲۰۰۳-۲۰۱۱)** | **تحلیل استنادی** |
| **زیرساخت برق** | آسیب‌دیده اما متمرکز | فروپاشیده، قطعی مداوم | پیمانکاران آمریکایی با وجود دریافت میلیاردها دلار، شبکه را بازسازی نکردند.58 |
| **نرخ فقر** | بالا (ناشی از تحریم) | ۲۵٪ تا ۳۰٪ | سیستم حمایتی دولت حذف شد و فقر ساختاری گردید.59 |
| **فساد اداری** | متمرکز دولتی | رتبه ۱۷۸ از ۱۸۰ (فراگیر) | سیستم سیاسی "محاصصه" که آمریکا تحمیل کرد، فساد را نهادینه کرد.61 |
| **پول ملی** | تحت کنترل (با وجود جعل سیا) | وابسته کامل به دلار فدرال رزرو | استقلال پولی عراق از بین رفت و درآمدهای نفتی در نیویورک کنترل می‌شود.62 |

### جدول ۴: شکاف وعده و عمل در لیبی

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **وعده داده شده (۲۰۱۱)** | **واقعیت موجود (۲۰۲۴)** | **استناد** |
| **دموکراسی و ثبات** | دو دولت رقیب، جنگ داخلی، حضور مزدوران | 63 |
| **رفاه نفتی** | غارت منابع توسط شبه‌نظامیان، محاصره بنادر نفتی | 56 |
| **آزادسازی دارایی‌ها** | تداوم انجماد دارایی‌ها در بانک‌های غربی | 57 |

# 4.نتیجه‌گیری نهایی

مجموع شواهد و اسناد ارائه شده در این گزارش اثبات می‌کند که استراتژی ایالات متحده در برخورد با رژیم‌های هدف در غرب آسیا و شمال آفریقا، نه بر پایه "تغییر رژیم برای بهبود وضعیت"، بلکه بر پایه **"تخریب خلاق" (Creative Destruction)** استوار است.

1. **اثبات مداخله پیش‌دستانه:** در تمامی موارد، پیش از هرگونه اقدام نهایی، یک جنگ ارزی تمام‌عیار (از طریق تحریم، انجماد دارایی و قطع دسترسی بانکی) برای تضعیف پول ملی به کار گرفته شده است. همزمان، حمایت مالی و سیاسی از اعتراضات داخلی (کامیون‌داران شیلی، INC عراق، NTC لیبی، اپوزیسیون ونزوئلا) برای تبدیل بحران اقتصادی به بحران مشروعیت سیاسی انجام شده است.
2. **اثبات وخامت اوضاع پس از مداخله:** تجربه تاریخی نشان می‌دهد که تغییر رژیم، نوشداروی مشکلات اقتصادی نیست. در عراق و لیبی، پول ملی پس از مداخله هرگز ثبات و قدرت سابق خود را بازنیافت و به ابزاری برای وابستگی یا درگیری داخلی تبدیل شد.
3. **تشدید ناامنی:** برخلاف ادعای آوردن امنیت، مداخله خارجی منجر به فروپاشی ساختارهای اجتماعی و امنیتی شده است. آمارهای تلفات در عراق (بیش از نیم میلیون مرگ مازاد) و تبدیل شدن لیبی به کانون تروریسم منطقه‌ای، گواهی بر این واقعیت است که آشوب ناشی از تغییر رژیم اجباری، بسیار خونبارتر و ویرانگرتر از سرکوب‌های رژیم‌های پیشین بوده است.
4. **استفاده ابزاری از نارضایتی:** آمریکا با تحریم‌ها و جنگ ارزی، نارضایتی را "تولید" می‌کند و سپس از همان نارضایتی به عنوان "مجوز اخلاقی" برای مداخله نظامی استفاده می‌نماید.
5. **غارت به جای بازسازی:** ناپدید شدن میلیاردها دلار از اموال عراق و لیبی و عدم اجرای پروژه‌های زیربنایی، دروغ بودن وعده‌های اقتصادی به اپوزیسیون را آشکار می‌سازد.

تاریخ این مداخلات نشان می‌دهد که آمریکا به جای "ملت‌سازی" (Nation-building)، عملاً "ملت‌سوزی" کرده است تا با ایجاد دولت‌های ضعیف (Failed States) و وابسته، کنترل ژئوپلیتیک خود را بر منابع انرژی و کریدورهای استراتژیک حفظ کند. اپوزیسیونی که به وعده‌های بازسازی آمریکا دل می‌بندد، با نگاه به بغداد و طرابلس درمی‌یابد که "روز بعد" از مداخله، نه روز شکوفایی، بلکه آغاز دورانی از آشوب بی‌پایان و غارت سیستماتیک است. به بیان دیگر، استراتژی آمریکا بر پایه "شکستن" ساختارهای حریف بنا شده است، اما فاقد هرگونه برنامه واقعی یا توانایی برای "ساختن" مجدد آن‌هاست. نتیجه این رویکرد، باقی ماندن کشورها در چرخه‌ای بی‌پایان از تورم، وابستگی، خشونت فرقه‌ای و ضعف ساختاری است.